

جلوه‌های مذهب شیعه بر معماری بومی (تکایای طایفه اسک آمل)

1- سید علی سیدیان، استادیار گروه معماری دانشگاه مازندران a_seyedian@umzac.ir

2- مرتضی حسن پور، دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه علوم و تحقیقات آیت الله آملی Hassanpoor. morteza@yahoo.com

چکیده

مهمترین عوامل تاثیرگذار اصول بنیادین شیعه بر معماری بومی مازندران، ارتباط نزدیک بین هنر بومی و مذهب می باشد که در فرهنگ شیعی جایگاهی فراتر از آنچه در ظاهر دیده می شود، دارد. بسیاری از معماران شیعی با بهره گیری از مفاهیم عمیق و اندیشه های بلند دینی آثاری نمادین با کالبدی زیبا از هنر معماری بومی آفریده اند که آشکارترین وجه ممکن از معماری علویان در معماری بومی تکایای مازندران تجلی یافته است. بیان این مطلب از این رو اهمیت فراوان دارد که اولاً ثابت می کند شیعه مولود طبیعی اسلام است، ثانیاً نشان می دهد ظهور این مذهب در مازندران به جنبه های اعتقادی عصر نبوت باز می گردد. ثالثاً شیعیان علوی مازندران با ارادت به خاندان علی (ع) تجلی اعتقادات عاشورایی خود در تکایا، عالی ترین نمونه معماری بومی، آیینی به برکت معنویت هنر شیعه و حضور روحانی بنایی سرشار از معنویت زنده، درخشنده و پویا با روح هنر مقدس که به صفت جمال و جلال الهی تابیده است، با تجلی نور معنوی توسط هنرمند پیر، عارف، سالک، با بهره گیری از مفاهیم بومی شیعه خلق گردیده است. نتیجه حاصل از این پژوهش نشان می دهد که جلوه های مذهب شیعه و معماری بومی مازندران اثرات متقابلی به یکدیگر داشته اند و محتوای کالبدی آنها با توجه به کاربریشان، نمودی از عشق به ولایت خاندان علی (ع) می باشد که علاوه بر اقلیم و معماری بومی مازندران دارای بار محتوایی و مرتبه کمال بر روح و جان و عقل انسان برای اتصال به آسمان می باشد. روش تحقیق حاضر، بنیادی و نظری و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای با ابزار مطالعات میدانی می باشد. جامعه آماری مورد مطالعه انتخاب شده از معماری بومی مازندران بناهای مذهبی تکایا می باشد که در محدوده مازندران و سه تکیه از طایفه اسک آمل می باشد.

واژه‌های کلیدی: معماری، معماری بومی، تشیع، تکایا، مازندران

مقدمه

ورود دین اسلام با نظام اعتقادی جامع و اصول بنیادین شیعه و جهان بینی بی نظیری که دارد تاثیر عمیق بر معماری بومی گذاشته است و بی گمان فرهنگ عاشورایی و عناصر متعالی آن در آداب و رسوم و متعلقات مربوط به معماری تکایا در بناهای معماری بومی و مقدس شیعه تجلی یافته است به طوری که آمل پایتخت شیعه مذهب علویان بوده است بناهای تکایا معماری بومی مازندران گواه این ادعا است که به عنوان اولین بناهای مقدس معماری شیعه می باشد. درواقع معماری بومی تکایا با آیین عزاداری و سوگواری و بازخوانی با بار معنایی عمیق و امتزاج چند فرهنگ است. با پاگرفتن مذهب تشیع در ایران، امام حسین (ع) به گونه ای از شجاع ترین و کامل ترین مدافع حق و در قالب اسطوره شهادت در شکل آیین های قدیم و بازخوانی و مراسم نمایش تعزیه به جهانیان معرفی گردیده است. معماری بومی در تکایای مازندران، به عنوان بناهای آیینی، یادمان خاص و نمادی از معماری بومی و سنتی است که تاثیر مکتب شیعه در تبلور هنر معماری بومی با مضامینی چون بزرگواری اولیا و برگزیدگان خدا، عشق آنان به شهادت در هنر اسلامی بصورت حیرت انگیز میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می تواند شکل مناسبی در کالبد معماری مقدس تکیه را برای معانی و باورهای شیعی و اصول اعتقادی بنیادین فراهم آورد به نمایش گذاشته است. جلوه های مذهب تشیع بخاطر غلبه بر بعد عرفانی آن در هنر معماری بومی نمایان است، در معماری تکایا، رکن های بنیادین شیعه و مهر و ارادت به خاندان عصمت و طهارت با مفاهیم شیعه دوازده امامی با مفاهیم اساسی تفکر شیعه چون ولایت، امامت، شهادت، عدالت، محبت، ایثار، بر اساس مباحث وجود شناسی و معرفت شناسی هنرمند معمار شیعه که برگرفته از آموزه های عرفانی و حکیمانه اندیشمندان و حکمای اسلامی مسلمان نمایان است. در طراحی تکایا به عنوان تصویری از عالم ملکوت و بهشت حامل نمادها، نشانه ها و عناصر رمزی فراوان است تا از این طریق اثر فرا زمینی خلق کند، به گونه ای که فهم و درک مفاهیم پیچیده را ممکن سازند. آنچه را با رازهای عرفانی ایرانی و معماری قدسی و دینی آشنا می سازد نمادهایی حامل رمزهای اصول بنیادین اعتقادی شیعه در معماری بومی می باشد. پیوستگی مفهومی و کاربردی و کالبد مقدس تکایا در سایه تجلی فرهنگ عاشورا، روحانی و مقدس گردیده است که جوهره عرفانی این معماری بومی دارای مفاهیم آسمانی غرقه در نور الهی، شعله نورانیت و شفا بخشی می باشد که، عزاداران شیعه با حضور قدیسان در نزدیک ترین مرحله به نورالانور و جایگاه شهود نور الهی می باشند.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر، بنیادی، نظری به روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای به شیوه تاریخی - تحلیلی است که تلاش دارد با توجه به اسناد، سهم عمده مبانی فکری و اعتقادی شیعه در شکل گیری آثار معماری قدسی بومی را بیان کند و با تبیین مبانی فرهنگی این مذهب نشان دهد که چگونه مفاهیم اساسی و بنیادین شیعه چون وحدت در کثرت، مرکزیت، راز و ابهام، درونگرایی که بیان گردیده است برهم کنشی متعادلی با نمادهای عاشورایی و تجلی و فرهنگ شهادت با معماری بومی شکوفا و خیره کننده در کمیت و کیفیت بناها و همکاری و هماهنگی اجزاء و عناصر تکایا داشته است.

1- مذهب شیعه

1-1- بررسی معنای شیعه و مفهوم مذهب تشیع

شیعه به معنای اتباع، انصار، پیروان، مطاوعت، متابعت و پیروی است و هر گروهی که در امری جمع آیند و از فردی پیروی کنند، شیعه نامیده می شود؛ همچنین شیعه در قرآن به معنای گروه، جماعت، فرقه و پیرو آمده است شیعه در معنای تابع و پیرو نیز به کار می رود، همان طور که در مجمع البیان آمده است: «شیعه به گروهی می گویند که از رهبری پیروی کنند؛ ولی در عرف مردم، شیعه عبارت است از: کسانی که از حضرت علی علیه السلام پیروی کرده به طرفداری از آن حضرت، با دشمنان او مبارزه کرده، پس از او، از فرزندان ایشان که جانشین آن حضرت بوده اند پیروی کرده اند» [1]. شیعه در اصطلاح به سه معنی به کار رفته است:

شیعه اعتقادی، شیعه در مقابل عثمانیه و نیز به معنای دوستی اهل بیت علیهم السلام. شیعه به معنای اعتقادی، نخستین بار در زمان رسول خدا (ص) به پیروان علی (ع) اطلاق شده است. تا اینکه پس از جنگ صفین، این اصطلاح برای شیعیان امام علی (ع) به کار رفت و پیروانش در سال شصت هجری، طی نامه ای که به امام حسین (ع) نوشتند، رسماً خود را شیعه اعتقادی امام علی (ع) نامیدند [2].

1-2- مباحث نظری و اعتقادی شیعه

مذهب شیعه که نظام اعتقادی خود را بر سنت و سیره معصومین علیهم السلام استوار ساخته است. انسان را به عدالت، آگاهی، واندیشه فرا می خواند؛ از این رو مذهب شیعه در ایران به دلیل گوهر انسانی و عقلانی خود به عقاید اصلی ایرانی، محتوا و جهت بخشید. در چنین ترکیب و پیوندی بود که انسان ایرانی، هویتی تازه یافت و به تدریج عناصر متعالی و تاریخی تشیع در فرهنگ و آداب و رسوم مردم بروز کرد. روح هنرمندان و معماران ایرانی به تشیع روشن گردید، لذا دست به آفرینش فضاهایی زد که از روح و ماهیت تشیع سرشار بود. تشیع، از بنیاد و به معنای برحق کلمه، در حکم باطن و معنای درونی مذهب اسلام است؛ این باطن و معنای درونی از نخست و بطور کامل همان تعالیمی است که از امامان به پیروانشان و به دیگران منتقل شده است. تشیع، عبارت است از: جنبه باطنی اسلام، که خود نتیجه ختم پیام نبوت است، اصول و مبانی اعتقادی و سیاسی مذهب شیعه، بر آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) استوار است. از آنجا که رسالت تشیع، رسالت یک اجتماع معنوی بر محور عشق است، این آئین یکسره رو به سوی درون دارد و نمی خواهد مذهب اسلام را به شریعت مستقر و بیرونی آن تقلیل دهد. [3]

1-3- عاشورا: نمایشگاه معنا و روحانیت

حادثه شهادت امام حسین (ع) مظهر یک فداکاری عظیم و بی نظیر است. حادثه بسیار عجیبی است که با آن وضع فجیع فرزندان پیغمبر را کشتند به دست مسلمانانی که شهادتین می گفتند و نماز می خواندند و حج می کردند. نه این که مردم منکر اسلام شده بودند- که اگر منکر اسلام شده بودند معمایی در کار نبود- و نه انکار حرمت امام حسین را داشتند و معتقد بودند که امام حسین - نعوذ بالله- از اسلام خارج شده. صحنه کربلا را می توان تشبیه کرد به یک نمایشگاه معنویت و معرفت، در این نمایشگاه، انسان می تواند به عظمت قدرت اخلاقی و روحی و معنوی بشر پی برد و بفهمد تا چه اندازه بشر با گذشت و فداکار و آزادمرد و خداپرست و حق خواه و حق پرست می شود؛ معانی صبر و رضا و تسلیم و شجاعت و مروت و کرم و بزرگواری تا چه اندازه قدرت ظهور و بروز دارد، کربلا بیش از آن اندازه که نمایشگاه شقاوت و بدی و ظهور پلیدی بشر باشد، نمایشگاه روحانیت و معنویت و اخلاق عالی و انسانیت است، ولی اهل منبر کمتر به آن جنبه توجه دارند. [4]

2- معماری بومی

1-2- پدیده فرهنگ و معماری بومی

معماری بومی گونه ای از معماری به شمار می آید که طراحی و ساخت فضاها در آن به صورت بسیار چشمگیری از شرایط و امکانات محیط طبیعی تاثیر می پذیرفته و از فنون، مصالح و سنت های محلی استفاده می شده است. تنوع محیطی و اقلیمی در ایران سبب شده که انواع گوناگونی از معماری های بومی در این سرزمین شکل گیرد که شناخت آنها می تواند در شناسایی دقیق معماری ایرانی و روند تحولات آن سودمند باشد. اهمیت این بررسی را می توان ناشی از بین رفتن برخی از خصوصیات بومی بسیاری از نواحی کشور دانست؛ که جنبه ای فرهنگی و هویتی می توانند داشته باشند و نوعی احساس تعلق در مردم و استفاده کنندگان از فضا ایجاد کنند. چهارچوب نظری این تحقیق بر این موضوع متکی است که عوامل پدیده های محیطی و اقلیمی تاثیر تعیین کننده ای بر شکل فضاهای معماری داشته است. تاثیر محیط طبیعی در شکل گیری همه انواع فضاهای معماری یکسان نیست، زیرا تنها محیط طبیعی یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر شکل فضاهای معماری است و عوامل دیگری مانند خصوصیات

کارکردی، آیینی، زیبایی شناسی و نمادین نیز در شکل گیری فضاهای معماری نقش دارند، اما نقش این عوامل در هر یک از انواع بناها متفاوت است. برای نمونه می توان به بناهای آیینی مانند مساجد و مزارها اشاره کرد که بسیاری از خصوصیات شکلی آنها و چگونگی قرارگیری عناصر در کنار یکدیگر و جهت آنها بیشتر از عوامل کارکردی و نمادین تاثیر می پذیرد.[5]

2-2- ساختار فضایی معماری بومی

معماری بومی، یعنی مجموعه واحد های معماری - شهری ای که در سرزمینی معین گرد هم آمده اند و با هماهنگی هایی که در زمینه شکل، در زمینه حجم گذاری، در زمینه کاربردی، در زمینه رنگ آمیزی و آهنگ سطوح پر و خالی و همچنین در زمینه مصالح و نظام های ساختمانی در آنها پدیدار است، سری اصلی و اساسی را در بر دارد، هماهنگی مبتنی بر تفاوت، تشخیص مبتنی بر ضابطه ها و رسوم و سلیقه های زاده از فرهنگ محیطی، یگانگی زاده از احترام متقابل و برخورداری از رفتار های محیطی مبتنی بر آزادی های مشروط از قرار داد های اجتماعی ضمنی- قرار داد هایی نا نوشته ولی زنده است. [5]

2-3- معماری بومی کاربردی است

معماری سنتی چشم هر بیننده مطلع را نه یک برای لحظه، بلکه برای روز ها، هفته ها و ماه ها آنچنان به خود جلب می کند که آدمی خود را در قهقرای از ذوق و کمال و هنر فراموش کرده و در اقیانوسی از طرح ها - ترسیم ها و اشکال هندسی بسیار موزون و متقارن و بالاتر از همه نحوه و چگونگی ساخت عناصر بسیار جذاب و پیچیده فرو رفته و وجود انسان جستجوگر آن چنان به تسخیر باطن کشیده می شود که آدمی از خود بی خود شده و دل در گروی دیدار مجدد آن داشته و همواره در رؤیای آثار قدسی و الهی در سر می پروراند. ایران که نشأت گرفته از ذوق و سر پنجه با هنر معماران خدا جوی است در کمالی وصف ناپذیر، استادکاران بسیار هنرمند و پاکبخته و فرهیخته با زندگی محقرانه و قوت حیات روزمره با قرصی نان جوین و به واقع عرق جبین به حق آثاری را آفریده اند که چون دُر و جواهری بر تارک معماری عالم می درخشد و بزرگ معماران جهان و بزرگ هنرمندان و هنراندیشان دنیا را عمیقا متوجه آثار بی همتای ایران کرده، اما تعلق آن به کل بشریت می باشد. [6]

3- الگو های معماری بومی مازندران

3-1- ویژگی های اقلیمی معماری بومی مناطق معتدل و مرطوب: معماری بومی این مناطق که بیشتر کرانه های دریای مازندران و دامنه های شمالی کوه های البرز را شامل می شود، به طور کلی دارای ویژگی های زیر است:

- 1) در نواحی بسیار مرطوب کرانه های نزدیک به دریا برای حفاظت ساختمان از رطوبت بیش از حد زمین، خانه ها بر روی پایه هایی از سنگ و گل و در پاره ای موارد بر روی گریه روها بنا شده اند.
- 2) برای حفاظت اتاق ها از باران، ایوانک های عریض و سرپوشیده در اطراف اتاق ها ساخته اند.
- 3) بیشتر ساختمان ها با مصالحی با حداقل ظرفیت حرارتی بنا شده اند و در صورت استفاده از مصالح ساختمانی سنگین، ضخامت آنها در حداقل میزان ممکن حفظ شده است [7]
- 4) در تمامی ساختمان های این مناطق، بدون استثنا از کوران و تهویه طبیعی استفاده می شود. به طور کلی، پلان ها گسترده و باز و فرم کالبدی آنها بیشتر شکل های هندسی، طویل و باریک است. [8]
- 5) به منظور استفاده هرچه بیشتر از جریان هوا، همچنین به دلیل فراوانی آب و امکان دسترسی به آن در هر نقطه، ساختمان ها به صورت غیر متمرکز و پراکنده در مجموعه سازماندهی شده است.
- 6) به دلیل بارندگی زیاد در این مناطق، بام ها شیب دار است و شیب بیشتر آنها تند است.

7) استفاده از ارسی های بزرگ با شیشه رنگی به خصوص در خانه های اعیانی مرسوم بوده که خاصیت دو عملکردی به اتاق اصلی می داده است. در زمستان و ایام سرد، بسته بودن ارسی ها فضا را به اتاقی گرم تبدیل می کرده، در حالیکه در تابستان یا روزهای گرم، بالا بردن ارسی امکان گردش هوا و تبدیل اتاق با ایوان را فراهم نموده است.[9]

4- مهمترین اصول بنیادین معماری اسلامی-شیعه

قوانین و ضوابط شکل شناسی معماری اسلامی را در یک کلام باید منبعث از یک نظم هندسی دقیق و همه جانبه دانست که همه چیز این معماری از پابندی به اصول هندسه ای کامل و ناب حکایت دارد، معمار با بهره گرفتن از زبان مطلق و بی تزلزل مجموعه ای ای بلورین و بی نقص می آفریند، معماری قدسی که گویی به جهان دیگری تعلق دارد. شاید بتوان چنین انگاشت که معماران شیعه بومی محصول کار خود را بدین طریق با انتظام به سامان عالم همونوا می سازند و راهی برای تشریف و تعالی آن می گشایند[10]

4-1- اصل مرکز گرایی

از مفاهیم مطرح در معماری ایران مرکز گرایی می باشد که ارزیابی های متفاوتی از آن صورت گرفته است. تمرکز آفرینی و ایجاد آرامش فضایی با محوربندی کردن فضا های باز و نیمه باز و بسته انجام می گیرد. مرکزیت یک شکل عمومی از الگوهاست که در کلیه زمینه ها من جمله طراحی معماری بومی مصداق پیدا می کند. [11] در سازماندهی مرکزی، تعدادی فضا، که ممکن است در عملکرد مشابه و یا دارای درجه اهمیت یکسان باشند، حول یک فضای مرکزی که از اهمیت بیشتری برخوردار است، ترکیبی است متعادل و معطوف به مرکز که از تعدادی فضاهای فرعی که حول یک فضای مرکزی بزرگ و غالب گرد آمده اند، تشکیل شده است، فضاهای فرعی در این سازماندهی ممکن است از لحاظ عملکرد، فرم و اندازه با یکدیگر مشابه باشند و ترکیبی کلی را به وجود آورند که دارای نظم هندسی است و نسبت به دو یا چند محور قرینه است، عامل تشخیص و عنصر منحصر به فرد این نوع سازماندهی، فضای مرکزی آن است، فضای مرکزی می تواند به لحاظ وظیفه یا به صورت سمبلیک، غالب و مسلط باشد، و گاه حتی مقدس باشد. در سازماندهی مرکزی اجزاء گرداگرد یک عنصر مرکزی قرار گرفته اند این جزء مرکزی نسبت به سایر اجزاء که در پیرامون آن قرار دارند، و بدون آن نمی توانند وجود داشته باشند، نقش برتر را دارد. این اجزاء از راه عنصر مرکزی با یکدیگر ارتباط دارند. تمام راههای ارتباطی یا رو به این مرکز هستند و یا در این عنصر مرکزی با یکدیگر تلاقی می کنند. این عنصر مرکزی هم نقطه ی پایان آنها است، هم مرکز تداخل آن ها و هم نقطه ی میانی آنها می باشد [12] سازماندهی مرکزی، مرکز را به عنوان سازمان دهنده فضاها به کار می گیرد. در این مدل، فضای مرکز می تواند دارای اهمیت زیادی در خارج باشد و از لحاظ فرم، سازماندهی را متحد کند اما از نظر عملکرد به عنوان یک فضای مورد استفاده ارزشی نداشته باشد، مرکز این سازماندهی می تواند تو خالی باشد، مانند حیاط مورد استفاده قرار می گیرد. در این سازماندهی، اجزاء در راستای شعاع های یک دایره ی فرضی که به یک مرکز حقیقی منتهی می شوند قرار می گیرند، [13]

4-2- اصل ورودی فضایی

ورودی مرز عبور مادی و رسیدن به جلوگاه معنوی تسلیم و سجده است، ورودی چه ساده و چه پیچیده معمولاً از اصول خاصی پیروی می کند. اگر بیرون و درون معماری مقدس دو دنیای متفاوت هستند، ورودی نقطه تماس و استحاله این دو دنیاست، تظاهر ورودی در بیرون بسیار شدید است، به این علت که جنبه دعوت کنندگی قوی تری دارد. در حالی که در حیاط و داخل، تظاهر آن بسیار خفیف است. برای اینکه انسان را تحت تاثیر خروج قرار ندهد دهانه ورودی ها در حیاط، ساده و بی تکلف اند و در محور تقارن قرار نمی گیرند، بلکه در طرفین ایوان هستند این در حالی است که ورودی در خارج، با قرار گرفتن در محور اصلی تقارن، اهمیت بیشتری می یابد. ورودی به عنوان عنصری شاخص و تاثیرگذار در یک بنا، حائز اهمیت فراوان است و از این رو

بسیار مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. تمامی موارد و عناوینی که تا کنون از آنها سخن گفته ایم یعنی؛ فرم، فضا، عملکرد و اصول نظام دهنده در طراحی ورودی یک بنا دخیل هستند، سامان دهی فضایی و برنامه ای که ساختمان قصد تعریف آن را دارد، به نمایش گذاشته می شود [14]. ورودی نماینده فرم، فضا و عملکرد یک بناست و به عنوان حلقه ای از زنجیره ای برای رسیدن به بنا است، ورودی دارای فضای مخصوص به خود است، فضایی که به نوعی حد فاصل فضای درون و بیرون بنا محسوب می شود. ورودی مفصل فضای بیرون و درون است. از آنجا که در معماری ایران ارتباط بین دو فضا بلا واسطه نیست، چندین فضای دیگر بر اساس سلسله مراتب معینی به کمک آمده و تشکیلات ورودی را شکل می دهند. این تشکیلات و سازمان فضایی، گاه بین دو فضای باز، دو فضای باز و یا نیمه باز و بسته شکل می گیرد. ورودی همچنین دارای عملکرد است. عملکرد و وظیفه ای که همان طور که از نام آن بر می آید، با ورود کاربر به داخل بنا مرتبط است: عناصری که در ترکیب با یکدیگر تشکیلات ورودی را شکل می دهند، به ترتیب وظیفه دعوت، توزیع و هدایت را به عهده دارند [15]

4-3- اصل سلسله مراتب فضایی

اصل سلسله مراتب یعنی سازماندهی و ترکیب فضاها و عناصر بر اساس برخی از خصوصیات کالبدی یا کارکردی آنها که موجب پدید آمدن سلسله مراتبی در نحوه قرار گیری یا استفاده یا مشاهده عناصر شود. سلسله مراتب موجود بین این فعالیت ها موجب شده است که بین اجزاء یا جزء -فضاهای آنها نیز سلسله مراتبی وجود داشته باشد تا کارکرد فضا های ورودی به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد. [16] رده بندی فضایی میان درون و بیرون که بر مرزبندی حریم های فضایی تاکید دارد، رده بندی کالبدی میان کالبدی های جزء و کالبدی های کل برای نمایش سیر از جزء به کل و از ساده به پیچیده می باشد، رده بندی در نگاره ها و آرایه ها از نگاره مبنا تا نگاره کل تعریف شده است. هرگاه چند عنصر در کنار یکدیگر قرار گیرند، نظمی در روابط بین آنها بوجود می آید. ممکن است این عناصر همگی هم ارزش بوده و یا اینکه تابع یک نوع سلسله مراتب باشند. [11] ایجاد سلسله مراتب، به معنی ایجاد ترکیبی منظم از عناصر فرمی و فضایی، و با در نظر گرفتن تفاوت ها و توجه به میزان اهمیتشان است، با توجه به ابعاد گوناگون معماری، سلسله مراتب نیز شامل انواع مختلفی است. سلسله مراتب ممکن است از منظر فرم، فضا و یا عملکرد به وجود آید بطور کلی می توان سلسله مراتب بصری و سلسله مراتب معنوی را از یکدیگر تشخیص داد. یک فضا ممکن است دارای فرم خاصی باشد که موقعیت خاصی برای آن ایجاد کند. اما این امکان هم وجود دارد که اختلاف ارزش فضاها در اثر عوامل معنوی باشد. برای ایجاد سلسله مراتب، ما نه تنها می توانیم به ابزار تغییر ابعاد و اندازه ها متوسل شویم، بلکه می توانیم از جای گیری متفاوت یک عنصر، نسبت به بافت عناصر اطرافش استفاده کنیم، یعنی استفاده از عواملی چون: مرکزیت، جهت گیری و تضاد هندسی. اطلاق ارزشی ویژه به یک فرم یا فضا و تفکیک سلسله مراتب را منوط به ایجاد اندازه استثنایی، شکل یگانه و مکانی مهم و با ارزش برای آن عنصر می باشد در تمام موارد، فرم یا فضایی که از نظر سلسله مراتب مهم است، به وسیله ی استثنایی بودن خود نسبت به حد مقرر و خلاف الگوی منظم، دارای اهمیت و معنی می گردد. اصل نظام دهنده ی سلسله مراتب، یکپارچگی و انتظام را در یک ترکیب بندی موجب می شود و الحاق عناصر به یکدیگر را، ساده تر و قابل تشخیص تر می کند. [12]

4-4- اصل تقارن

تقارن عبارت است از ترتیب و آرایش عناصر و اجزای همانند در دو سوی یک محور. تقارن در معماری چون همواره قرین، همنشین و نظیر وحدت بوده وضع قویتری پیدا کرده و همواره با عنصر پر قدرت مرکزی همراه بوده است. تقارن جزیی از توازن و نوع خاصی از آن است، و به عنوان یکی از عوامل ایجاد انسجام و نظم و به معنای تکرار عینی عناصر در دو سوی یک محور و یا اطراف یک مرکز بکار می رود [13]. تقارن یکی از واضح ترین عوامل در تشخیص فضا است، تقارن با نظم اجین بوده و نوعی برنامه ی کار از پیش فکر شده است لازمه ی تقارن را ترتیب متعادل اشکال مشابه فرم و فضا، حول یک خط (محور) یا نقطه ی مشترک)

مرکز) می داند، تقارن عاملی است که از آن می توان برای ایجاد سلسله مراتب یاری جست. [11] داشتن تقارن مشخص باعث انسجام اجزاء بنا یا کل بنا می گردد. با رعایت تقارن منطقی در نقشه ی بنا می توان هیات و حجم کلی بنا را بهتر درک کرد، تقارن امکان طراحی فرم و ترکیب حجمی صحیح را به ارمغان می آورد و به توانایی انجام الحاق، کاهش و تغییرات ابعاد مناسب و زیبا را می دهد. همچنین تقارن می تواند موجب ایجاد الگوهای سازماندهی فرم و فضا شود. محورهای عموماً تقارن را القا می کنند و از آنجا که شکلی خطی دارند حرکت را در جهت خود تقویت می کنند. محور، تقارن را تدبیری قوی، سایه افکن و نظام دهنده می خواند و ایجاد آن را به قرارگیری دو عنصر نقطه ای در دو انتهای آن منوط می داند. عناصری که می توانند در قالب فرم های مرکزی، سطح عمودی، فضاها و یا مدخل هایی باشند. [14]

4-5- اصل نشانه گرایی

تیتوس بورکهارت بر انتزاعی بودن هنر اسلامی تاکید دارد. وحدت، با اینکه یک حقیقت کاملاً عینی است، به نظر انسان، یک مفهوم انتزاعی ایجاد می کند. اسلام مبتنی بر توحید است و وحدت را نمی توان با هیچ تصویری نمودار ساخت و بیان کرد. انواع نشانه گرایی را می توان به گونه های زیر نیز دسته بندی کرد: نشانه گرایی قراردادی، نمادگرایی شبیه سازی و نمادگرایی شکلی و صوری، نشانه گرایی محتوایی و مفهومی می باشد. زبان معمولی دانشی جزئی که به وسیله ی منطق و احساس بدست آمده را بازتاب می دهد. زبان سمبولیسم دانشی را بیان می کند که به وسیله خرد به دست آمده است، یعنی عرفان. نمادها خود تجلی خدایی امر مطلق در امر نسبی هستند. فروم های نمادین، که جنبه های محسوس حقیقت متافیزیکی هستند، چه انسان از حضورشان آگاه باشد و چه نباشد، وجود دارند. انسان نمادها را خلق نمی کند، به وسیله ی آنها دگرگون می شود. وجود نمادها از این تشابه معکوس پیروی می کند که آن چه عالی ترین است در آنچه درون ترین است انعکاس می یابد. دنیای مادی نه تنها دنیای مافوق خود بلکه دنیای روح را منعکس می کند. رابطه ی نماد با منشاء، همان قدر نزدیک است که رابطه ی برگ های یک درخت با ریشه اش است. در ترجمان معماری، سامان دهی اجزاء، همواره با رویکرد سیر کردن از ظاهر پدیده ها و یادآور شدن باطن آنها همراه می باشد. تمثیل هایی که از فضای بهشت در قرآن آمده است، سرشار از عناصر حیات بخش طبیعی است و معمار موحد سعی دارد بهشتی زمینی را به گونه ای سامان دهد که انسان ها ضمن برخورداری از مواهب طبیعت از سیر و سلوک الی الله و تعالی روحی و معنوی نیز باز نمانند [11]

4-6- اصل درون گرایی

در معماری درون گرا، نمای بیرونی بسیار ساده کار می شود، به گونه ای که هویت ویژه هر ساختمان به آسانی بازشناخته نمی شود. اما در ساختمان های برون گرا، به نماهای بیرونی بسیار توجه شده است. ممیزات و صفات متعالی سطح ها در هر یک از طرق زیر جلوه گر می شود. اصالت ذاتی و غنای موادی که به کار گرفته می شود، شکل و هیأت سطح، ژینت و آرایش آن ترکیب اثر تزئین و بکارگیری مواد اصیل و عالی نشان داده می شود [11] باز و بسته بودن، از ویژگی های ناشی از عوامل و عناصر فرمی یک فضا است. اولین تمایزی که می توان بین دو فضای مختلف قائل شد، بسته یا باز بودن فضا است، معماری ایران در تبدیل این دو فضا، بسیار ماهرانه عمل کرده و ارتباط آنها را از طریق سلسله مراتبی از فضاهای نیمه باز و نیمه بسته برقرار می کند. فضای باز در معماری ایران شخصیتی مستقل دارد. و فضای بین ساختمان ها نبوده، بلکه هویتی شاخص دارد [14]، فضای باز در معماری سنتی ایران در دو مقیاس مطرح می شود. اول فضاهای باز بزرگ بیشتر جوابگوی تجمع های بزرگ و مراسم مذهبی و نظامی بوده است و دوم فضای باز کوچک، که بیشتر در رابطه با کاربردهای روزمره در بناهای کوچک و غالباً مسکونی متداول بوده است و معمولاً مکمل فضای زندگی در بخش سرپوشیده محسوب می شده و هماهنگی خاصی را در فضا پدید می آورده است. فضای نیمه باز در معماری سنتی ایران، حد فاصل بین فضاهای بسته و باز محاط بر آن در یک بررسی تحلیلی می تواند به عنوان فضای ارتباط دهنده ی این دو شناخته شود. [13]

4-7- اصل وحدت در کثرت

این اصل، بنیادی ترین اصل در هنر و معماری سنتی است، که امری به شدت تجربیدی و انتزاعی می باشد. نظم نشاندهنده وحدت، بی نظمی مبین کثرت است. [11] سادگی شکل در کل و جزء در طراحی یک اثر معماری نقش دارد، به طور مثال ترکیب ساده طاقبندی و غرفه با ریتم منظم و پیوسته ی کنار هم، ایجاد وحدت شکل و پیوستگی می کند و به فضای محصور شده جلوه خاصی می بخشد، محصول طراحی باید به صورت یک کل مرتبط الاجزاء باشد. این کل، ساختاری است که میان اجزای آن، تحت فرایندی پیوند برقرار شده باشد. چنین کلی دارای وحدت است. وحدت، جوهر و محصول تمام اصول و قواعد شکل دهنده مانند نظم و هماهنگی است و مفهوم و معنای آن مندرج در آنهاست. [17] کلیت یک بنای معماری می تواند از همنشینی تعدادی جزء یا واحد ایجاد شود. این رویکرد، یعنی تشکیل کل، توسط اجزاء به عنوان یکی از اصول نظام دهنده شناخته می شود: کل، عامل اتحاد اجزاء و تشکیل ساختاری مستقل است. وظیفه نهایی کل، به وحدت رساندن اجزاء است [13] علاوه بر تعداد اجزاء نوع آن ها از نظر فرم، فضا و عملکرد دارای اهمیت است و شباهت و یکنواختی آن ها در تشکیل کلیت بنا تاثیر می گذارد، هر چه اجزاء از یکنواختی بیشتری داشته باشند، زودتر در یک جمع به صورت یک کل به چشم خواهند آمد. و هر چه جزء به تنهایی کامل تر باشد، مجموعه به مجموعه ای نامتناجس شبیه خواهد شد و کل فاصله ی بیشتری از یک واحد همگون پیدا می کند [12] این اصل متکی به اصل استقلال پدیده ها در عین وابستگی به هم می باشد. در این نظام پدیده ها در عین داشتن هویتی مستقل به هم وابسته هستند، نه به معنی وابستگی علت و معلول است. [11]

4-5- تکیه در اقلیم بومی مازندران

تکایای شهر های مازندران همواره از لحاظ مکانی و بصری، در مکانی از حاشیه میدان قرار دارد که مسلط بر کل فضای میدان است اغلب تکایا بنای کوچک دو طبقه هم در کنار خود دارند که سقا نغار (سقاتالار) نامیده می شوند بسیاری از سقافارها، سقفهای پر از نقاشی دارند که داستانهایی از زندگی روزمره مردم، اساطیر و افسانه های مذهبی را به تصویر کشیده اند. [18]

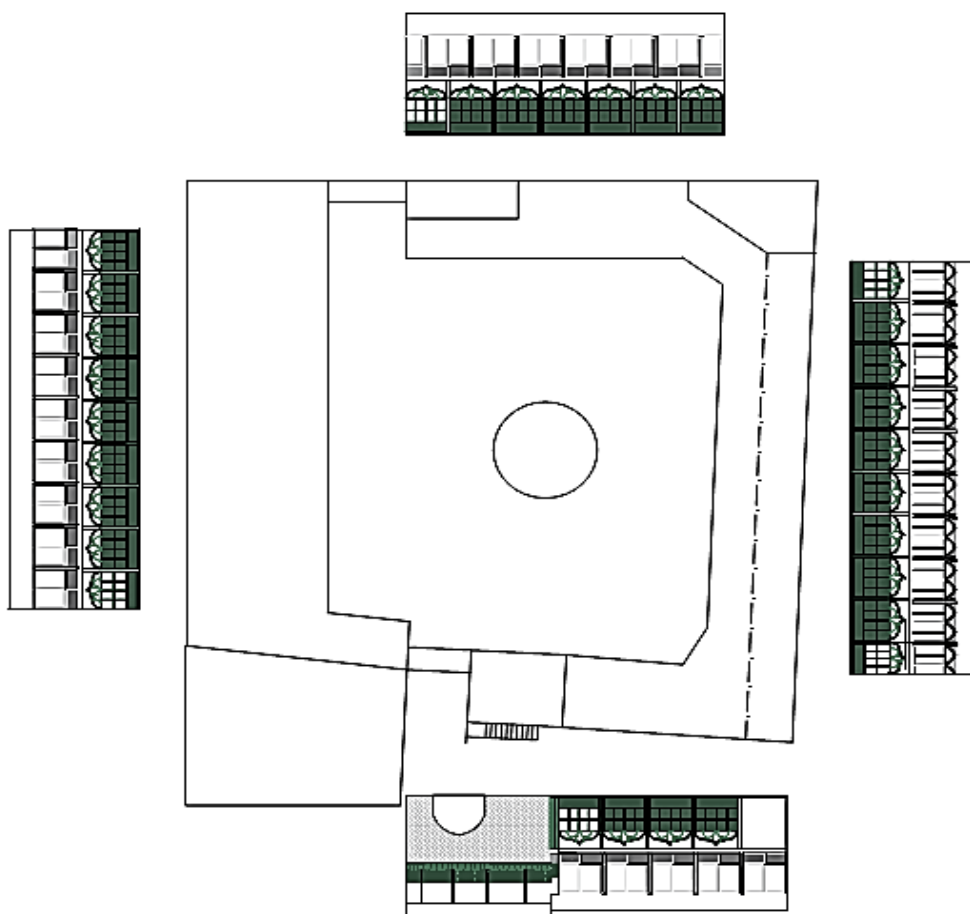
4-6- تحلیل تکایای طایفه اسک و ارزش های شیعه بر معماری بومی


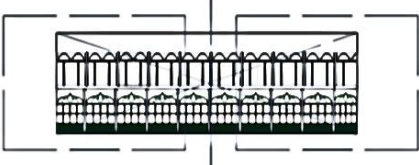
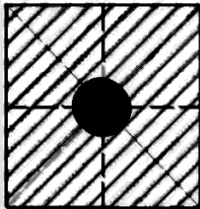
تکایا همیشه از بهترین عوامل هویت دهنده به محله ها بوده اند که در شکل گیری و هویت بخشی به شهرستان آمل که از طوایف مختلف تشکیل شده و در شهر و ییلاق و روستا سکنی گزیده اند تحت تاثیر مذهب شیعه بوده است و این امر در میزان کیفی و مقدس بودن آن با توجه به شرایط طبیعی و سنت های جاودانه ملموس می باشد و این شکل وحدت معنایی و عرفانی ناشی از رسیدن به حقیقت نیز تجلی یافته است. این سه بنای عظیم (تکایای اسک لاریجان، آمل، اوجی آباد) در شهرستان آمل بعنوان سه مرکز تجلی مذهب شیعه معماری بومی می باشند. و عظمت آنها در مقیاس شهری در هویت بخشی معماری بومی با شکل و عناصر و نماد معماری ایرانی (حیاط مرکزی) به وضوح در زیباترین و شگفت انگیز ترین نمونه ارائه شده است.

اصول نظام دهنده معماری بومی	تکیه طایفه اسک لاریجان	بررسی کالبد
-----------------------------	------------------------	-------------

6-1- تکیه آب اسک لاریجان (نماد بیلاق)

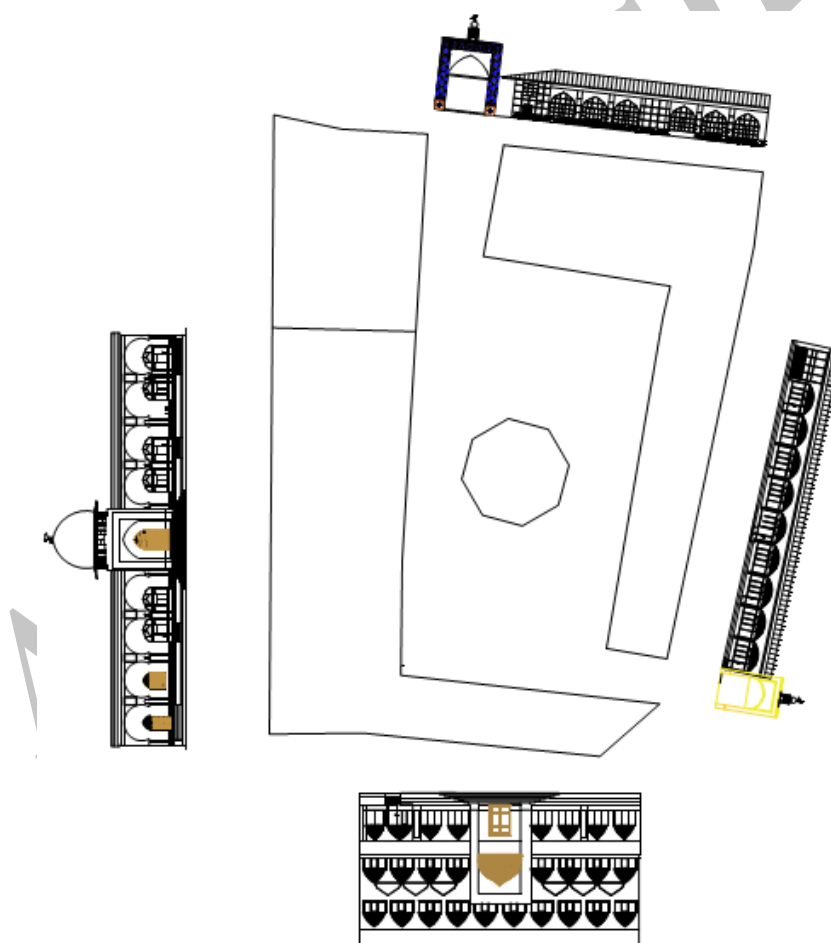
روستای اسک در جوار رود خروشان و زلال هراز قرار دارد. روستا از طرف شمال در امتداد بام ایران یعنی قله سفید دماوند می باشد و از کنار آن رود هراز می گذرد [19]. بر طبق اظهار یکی از پیرمردان محلی این دهکده به نام اشک موسوم بوده و بعداً با گذشت زمان شین به سین تبدیل گردیده و امروزه اسک خوانده می شود. تکیه آب اسک لاریجان، مکانی مقدس برای عزاداری در وسط روستای اسک واقع شده که به پنج عنصر هویتی: مسجد، حسینیه و زینبیه و ابوالفضل، تعزیه خانه تقسیم شده است و در وسط تکیه مکانی به نام سقانفار یعنی محل نشستن تعزیه خوانها می باشد. [20]

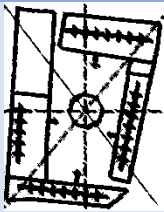
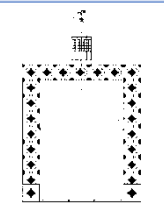
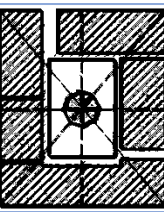
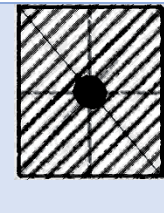

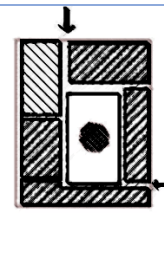


	<p>مرکزیت تکیه با سقائفار، ظهور نقطه ای نشانگر رکت از مرکز به عنوان رمز وحدت و مبداء با حرکت بیرونی با کمائی دایره ای با نقطه ای در مرکز وحدت هستی که الهام عمیق از سرچشمه توحید می باشد.</p>	<p>اصل مرکز گرایی</p>
	<p>ورود از فضای جهان مادی به جهان معنوی است. فراموشی بیرون و یادآوری درون و سیر از ظاهر به باطن شروع یک سفر عاشقانه و دلدادگی می باشد. آغاز محبت، دوستی و پیوند احساس است برای جهانی رویایی و آرزویی بهتر</p>	<p>اصل ورودی</p>
	<p>مسجد، عالی ترین عنصر تکیه خانه خداوند است مسجد، قلب عالم است و شهر خدا در دل خاکی شهر است. تجلی علم و اعتقاد و عقل شیعه است که ارتباط انسان با ولایت حق در عالی ترین مرتبه آن ارتباط با خداوند سبحان است و با ادبیات عرفانی ظاهری ماده و باطنی پیچیده می باشد.</p>	<p>اصل سلسله مراتب</p>
	<p>تقارن، دقت هندسی، نظم ریاضی روح خردمندانه با آهنگ هستی آسمانی پیوند می دهند، قرینه سازی اوج یک تفکر استوار است. درک عقلانی و رشد علم ریاضی و هندسه است که با ارزش های متعالی و عمیق مرتبط است.</p>	<p>اصل تقارن</p>
	<p>مربع رمز زمین یا مادیت دایره (شش ضلعی) رمز آسمان یا معنویت می باشد، در این ترکیبات همواره حس شهودی است، و انتزاع و نشانه حس و هنر و عقل و عشق می باشد با نظری ژرف به عالم مثال می باشد و ریشه های حکمت کهن ایران در جهان بینی معنوی ایران دارد.</p>	<p>اصل نشانه گرایی</p>
	<p>فضای بسته خیال انگیز، حتی روحانی و گویی شأن و منزلت انسان و تاکید بر فضیلت آن دارد که در آن کاهش جرم، افزایش فضا و پاکی روح را نشان می دهد و فضای خالی نشان دهنده معاد و حیات است و خود تصویری از بهشت را نشان می دهد.</p>	<p>اصل درون گرایی</p>
	<p>شکل ها میل به مرکز دارند، اما از سوی دیگر چنین می نماید که دم به دم از مرکز دور می شوند و مجدداً به مرکز بر می گردند. آهنگ گردش پر رمز و راز پیکربندی اعجاب انگیز با هندسه ای انتزاعی و تنظیم ارتفاعات و وحدت فضای درون و بیرون در حد کمال.</p>	<p>+ اصل وحدت در کثرت</p>

اصول نظام دهنده معماری بومی	تکیه طایفه اسک آمل	بررسی کالبد
-----------------------------	--------------------	-------------

طایفه اسک علاوه بر موطن در کوهستان در مرکز شهر در محله اسپه کلا مرکز تجمع اسکی ها در شهر آمل نیز مستقر شدند. تکیه جزء تفکیک ناپذیر هر محله بود و در واقع هر محله با برپایی تکیه رسمیت می یافت تکیه اسک نیز در آن منطقه واقع می باشد، که جزء بافت قدیم آمل می باشد. تکایا اسک نمایانگر بخشی از مساعی یک قوم برای تداوم بخشیدن به فرهنگ و تمدن و آداب و سنن و هویت فرهنگی است که در معرکه این جهان پر تب و تاب واقع شده در حوزه جغرافیای سرزمین پر آبخت و اهورایی ایران که نام بلند و پر آوازه و شکوهمندش در سیمای تاریخ و تمدن ملت های جهان عزتمندانه و فاخرانه می درخشد و با جاذبه و جلوه ای مهر آمیز به حیات طبیعی اش ادامه می دهد و دیگر اینکه منظره خیال بر انگیز آثار گذشتگان در تکیه اسک قابل مشاهده ترین ارزش ها و میراث نیاکان و سند تلاش و تدین و هنر همبستگی قومی آنان است. [21]

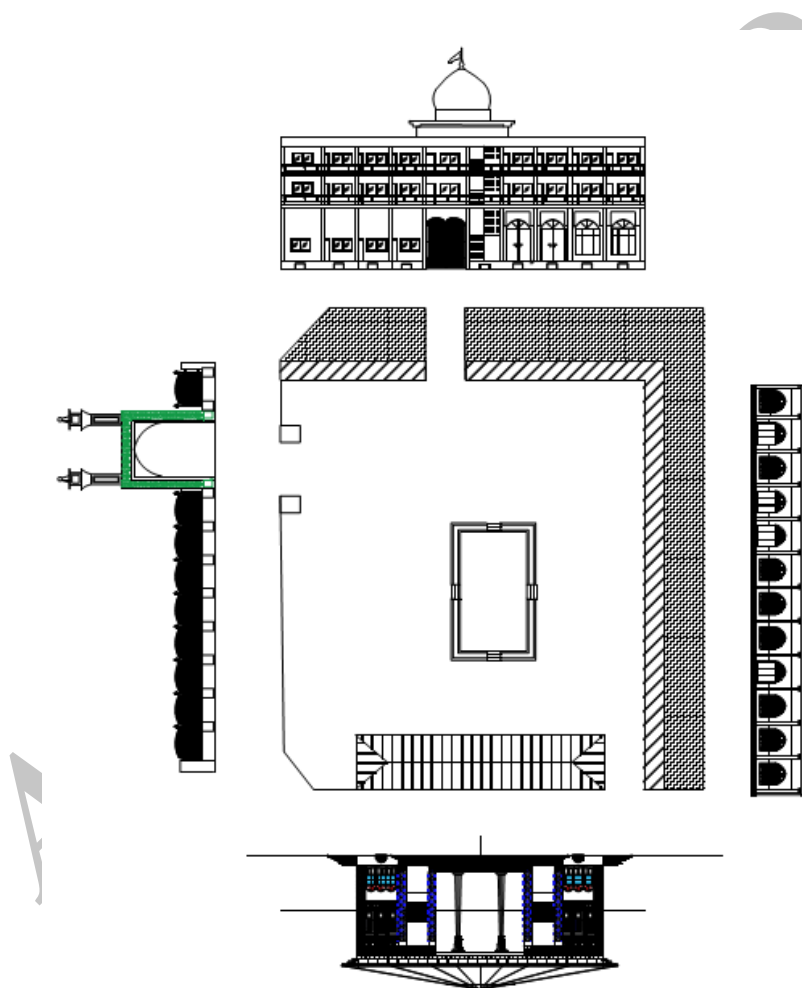


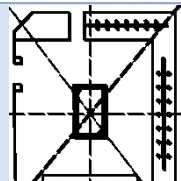
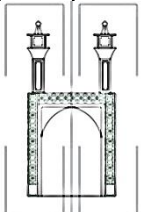
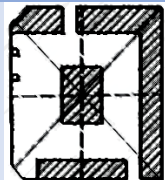
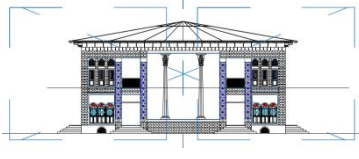
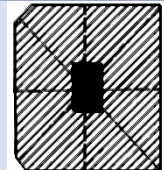
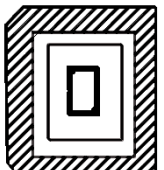
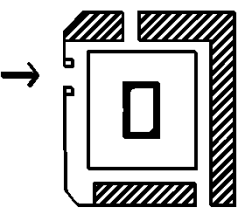
		<p>سقا نثار ، نقطه مبدأ رابطه بین مرکز و اطراف بصورت کمان و شعاع می باشد نمایانگر وحدتی است از مبدا و مظهر هستی و کمال و روح انسان و معنویت باطن حق می باشد که از طریق تصویر به نقطه ای تبدیل شده است و نماد کمال هنر و ادب به روح زنده است .</p>	<p>اصل مرکز گرایی</p>
		<p>دعوت به فردوس با نشانه های آشکار در مدخل اصلی و حرکت و تکاپو و حس مکان و تعلق خاطر به فضایی دیگر و آغاز حیات معنوی و پذیرش انجام فریضه نماز و مراسم عزاداری می باشد ورودی نماد اقتدار و صلابت و مرجعیت می باشد</p>	<p>اصل ورودی</p>
		<p>کیفیت معنوی و روحانی برای سیر سلوک جان ، آسایش روح و روان و انعکاس رفتن به فضای نورانی و مقدس می باشد که عالی ترین عنصر تکایا مسجد در آن چشم نوازی می کند و لطیفه نهایی قدسی از سرچشمه توحید و یکتاپرستی می باشد</p>	<p>اصل سلسله مراتب</p>
		<p>تقارن اعضا و عناصر در کنار هم به آرامش رسیده اند و به تعادل و توازن بین همه نقش های متعالی رسیده اند و هندسه و بنا و بعد باطنی و برانگیختن روح برای تعمق در مراتب عالی تر ادراک می باشد .</p>	<p>اصل تقارن</p>
		<p>دایره به عنوان رمز وحدت عالم بر همه نقوش هندسی دیگر برتری دارد زیرا هسته درونی یا مرکز پنهانش با آن بی زمان گردش زمان مناسب دارد که در مراسم سینه زنی در طواف نشان می دهد ، ارتباط هنر با معنای عمیق آن رهایی از ارزش هایی از ارزش های حقیر و پیوند با ارزش متعالی است .</p>	<p>اصل نشانه گرایی</p>
		<p>فضا های باز ، حیاط ، صحن و ورودی ضمن برخورداری از وحدت فراگیر و خرد الهی جوهری است که به فضای بسته کرامت و شایستگی و شخصیت می دهد، حیاط مرکز علم وجود می باشد که تمامی عناصر دورتادور سقائفار می باشد و همراه با توازن بر زیبایی غالب ، کمال روحانی را با نمایش ظاهری و معماری مقدس بیان می کند .</p>	<p>اصل درون گرایی</p>
		<p>اشکال هندسی سازه های با تناسباتی که خاصیت تکثیر درون خود را دارند گرداگرد مرکز خورشید و وابسته به آن می باشند که همراه با هندسه ای با وقار با کشش اشکال کمال یافته به وحدت در مرکز متعالی می رساند و فرصت و قداست جمعی را بیان می کند و مسجد عامل وحدت و مظهر تجلی جمال می باشد و دل عارف کامل است .</p>	<p>اصل وحدت در کثرت</p>

روستای اوجی آباد قشلاق طائفه اسک می باشد، چون زندگی در ییلاق آب اسک در فصل سرما مشکل بود و زمین روستا برای

اصول نظام دهنده معماری بومی	تکیه طایفه اسک اوجی آباد	بررسی کالبد
-----------------------------	--------------------------	-------------

کشاورزی مساعد بود گروهی از طائفه خواهان آن شدند که از کوهستان به دشت پناه آورد. تکیه روستا در بافت و کنار جاده اصلی قرار گرفته است. راه ورود به مجموعه یکی در وسط ضلع جنوبی و دیگری در گوشه ی جنوب غربی محوطه واقع شده است. [20]



	<p>نقطه مرکزی مبداء (عنصر هدایت کننده) حرکت از این مبداء به مثابه میدان است که وحدتی حاصل می آید که نماد عدالت و برابری در همه جهات است و کعبه دل های عاشق و عزادار برای دریافت شفاعت از واسطان فیض می باشد</p>	<p>اصل مرکز گرایی</p>
	<p>نماد و نشانه مذهب شیعه و علوی است راهنما و مرشد است که دعوت به جمع یاران ولایت و اطاعت از امامت می کند و از وجه ظاهری به وجه باطن انسان می رود و انسان را به خلوت درونی رهنمون می کند آغاز حرکت از عالم جمال به عالم جلال می باشد</p>	<p>اصل ورودی</p>
	<p>توحید ، وحدانیت در مسجد نبوت (امامت ، ولایت) درحسینیه و معاد (شهادت و ایثار و بصیرت) در ابوالفضل با رعایت جایگاه و مقام می باشد و در رأس هرم مسجد می باشد که به نوعی یار و یاور و مکمل حیات معنوی و روح و جان تکایا می باشد</p>	<p>اصل سلسله مراتب</p>
	<p>رعایت ابر اصل عدالت در قرینه سازی و نشان از سنگینی و وقار و اصالت مقدس گونه بنا دارد تقارن از صفات زیبای الهی است و از نشانه های هنر قدسی با الهام از طبیعت و خلقت پروردگار است</p>	<p>اصل تقارن</p>
	<p>اعداد چهار نماد فصل ، چهار ایوانی چهار جهت اصلی همگانی ، چهار پاره ، چهار شعار اسلام ، چهار باغ در تکایا به عنوان اعداد مقدس می باشد که نشانگر صفات جلال متجلی شده از هستی مطلق می باشد و رمز سمبل و بیان تحریری است</p>	<p>اصل نشانه گرایی</p>
	<p>فضای درونی پاک ترین گونه فضای نیایش و حیاط مرکزی مانند مادری تمامی عناصر تکایا در آغوش می گیرد و در ذات جاودانه ولایت متجلی می شود و آماده ساختن روح برای صعود به عالم غیب می باشد و صدور امر قدسی و عالم روحانی است</p>	<p>اصل درون گرایی</p>
	<p>عناصر به گونه ای درون هم تنیده و پیچ و تاپ خورده اند و نشان می دهند که درون هر چیز نشانی از چیز دیگر را می توان یافت یکی در همه و همه در یکی . نقش ها با پیروی از تناسبات جهان همراه با ریتم و آهنگ همه پراکندگی و کثرت را در یک دایره محیطی گرد آورده و تفاوت ها را به وحدت رسانده راه را برای آشفتنگی و بی نظمی می بسند و تا فضای آرامش و یکدستی را القا کند</p>	<p>اصل وحدت در کثرت</p>

نتیجه گیری:

معمار علوی، با گرایش های عرفانی به اصول اعتقادی و بنیادی شیعه، آموزه ها و باورهای دینی و اندیشه های مقدس بر آن است تا عقاید روحانی و آسمانی خود را با اقلیم بومی جسم مادی زمین، پیوند دهد و این هنر معماری بومی در تجلی ارزش های عاشورا و ارادت به خاندان علی (ع) بعنوان یک اثر قدسی و جاودان به نام تکایا به معماری بومی، زینت بخشد.

اعتقادات به اصول بنیادین اسلامی شیعه (اصل سیر از کثرت به وحدت، عدالت محوری، وحدت فضایی، مرکز گرایی، سیر از هندسه آفاقی به هندسه انفسی، اصل تقارن، اصل انتزاع گرایی و ...) بر اساس آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) استوار است، انسان را به عدالت، آگاهی، اندیشه و جهاد فرا می خواند.

هنر معماری بومی و جلوه های اعتقادی علویان و مبانی نظری شیعه در مازندران به طور کامل از ابتدا با دین و جنبه های مختلف آن بی ارتباط نبوده اند امامت، ولایت، شهادت، ایثار، بصیرت آنچه که باید از ابتدا به فراخور معنویت زمانه درصد بهره گیری و بهره وری از مذهب شیعه بوده اند و به همین جهت در صدد نمایاندن جلوه های مذهب شیعه برآمده اند. این معماری بومی و هنر رازگونه مقدس در فرهنگ شیعه و معماری اقلیمی مازندران بصورت آگاهانه در نمایاندن جلال و جمال و شکوه ولایت پذیری علویان در تکایا طایفه اسک آمل پیوسته در تلاش بوده اند که هنر های مقدس را در تکایا بهره گیرند. بدین جهت فراتر از اقلیم و حد و مرز جغرافیا با فرهنگ شیعه تعامل پیدا کردند در طول تاریخ جلوه های شیعه بر معماری بومی مازندران می توان تکایا را بهترین الگو، و آغاز معماری شیعه دانست. معمار شیعه علوی در روزگاران گذشته هر زیبایی را که در اطراف خویش می دید و اگر آن درخور عظمت و جلال ولایت خاندان علی (ع) می دید سعی می کرد تا به هنگام فرصت همچون آیه های و آهنگ های متین و موزون سوره های قرآن، شور شیفتگی و اخلاص را به زبان معماری بیان کند. معماری بومی تکایا، امری تصادفی و اتفاقی نیست بلکه همواره به عنوان بازتابنده جلوه های مذهب شیعه بر روح مؤمن عزادار تاثیر می گذارد و در پیکره اندیشه و تفکر شیعیان تاثیر می گذارد و هر کدام از عناصر تکایا از فلسفه و فرهنگ شیعه و نظر اندیشمندان نشأت می گیرد.

مراجع

- [1] ترکمنی آذر، پ. تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران: ورود به ایران تا تشکیل حکومت صفویه؛ مؤسسه شیعه شناسی، 1383.
- [2] جعفریان، ر. تاریخ تشیع در ایران از آغاز قرن هفتم هجری؛ انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، 1368.
- [3] احدی، آ. تاریخ تشیع، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، 1384.
- [4] مطهری، م. حماسه حسینی، انتشارات صدرا، 1393.
- [5] فلامکی، م. معماری بومی، چاپ دوم، انتشارات نشر فضا، 1384.
- [6] زمرشیدی، ح. معماری ایران - اجرای ساختمان با مصالح سنتی، انتشارات زمر، 1377.
- [7] کسمایی، م. اقلیم و معماری، انتشارات نشر خاک، 1382.
- [8] طاهباز، م. جلیلیان، ش. اصول طراحی معماری همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مسجد، انتشارات شهید بهشتی، 1387.
- [9] قبادیان، و. بررسی اقلیمی ابنیه های سنتی ایران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1377.
- [10] نوایی، ک. خشت و خیال، انتشارات سروش، 1390.
- [11] نقره کار، ع. ح. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، 1387.
- [12] گروتوری، زیبایی شناختی در معماری، ترجمه جهان شاه پاکزاد، دانشگاه شهید بهشتی، 1375.
- [13] افیضی، م. خاک زندم، معماری معاصر ایران، مؤسسه انتشارات فرهنگ متین، 1389.
- [14] عمومی، م. خاک زندم، معماری - الگو - نظم، مؤسسه انتشارات نشر خاک، 1376.
- [15] سلطان زاده، ح. فضا های ورودی، انتشارات نیل، 1384.
- [16] شاطریان، ر. تحلیل معماری مساجد اسلام، مؤسسه انتشارات نوپردازان، 1390.



- [17] حبیبی، م. شرح جریان های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، دفتر پژوهش های فرهنگی، 1390.
- [18] بزرگ نیا، ز. تکیه ها و حسینیه های ایران، انتشارات صوفیان، 1385.
- [19] کوهی، م. لاریجان، انتشارات نخل دانش، 1393.
- [20] راعی، م. اسک در گذر تاریخ، مؤسسه نشر انتخاب، 1384.
- [21] پیروزیان، ع. پیشینه تاریخی-فرهنگی- و آیینی تکیه اسک آمل، انتشارات طالب آملی، 1388.

Archive of SID